روزنامه شرق

دوشنبه ● ۲۳ دی ۱۳۹۲ ● ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۵ ● ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴ ● سال یازدهم ● شماره ۱۹۲۷ ● ۱۶صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶

تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷

امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰

چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۳ اذان مغرب ۱۷:۳۲ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۴

مراسم اهدای سومین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبایی

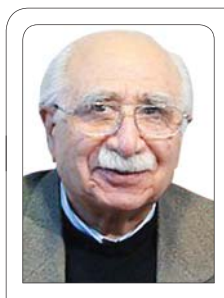

شرق: مراسم اهدای سومین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبایی فردا ساعت ۱۶:۳۰ با حضور اصحاب فرهنگ و اندیشه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. در این مراسم جایزه دکتر مجتبایی به برترین پایان‌نامه دوره دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی و ادیان و عرفان در سال ۹۱ اهدا می‌شود و دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر فاطمه لاجوردی درباره پایان‌نامه‌های برگزیده سخن می‌گویند. داوری سومین دوره این جایزه را فتح‌الله مجتبایی، ضیاء موحد، حسین معصومی همدانی، شهرام پازوکی و علی‌اصغر محمدخانی بر عهده داشته‌اند.

نگاه

لبخند حق مردم است

اردشیر رستمی

● جشن یکشنبه‌شب مجله «چلچراغ» مجوزهای لازم را داشت؛ قرار هم نبود اتفاق خاصی در آن بیفتد. از هنرمندان کشور دعوت شده بود تا عده‌ای از آنها مورد تقدیر قرار بگیرند و همین هنرمندان از فرزندان دو شهید دفاع مقدس تجلیل کنند. قرار بود شعرخوانی شود و اعضای خانواده «چلچراغ» این فرصت را پیدا کنند تا با مخاطبان خود بیشتر آشنا شوند و از این رهگذر دیدارها تازه شود. نگذاشتند این اتفاق بیفتد. آن نوجوانانی که با اتوبوس از شهرستان خود برای شرکت در این جشن آمده بودند، با چه روحیه‌ای به دیارشان بازخواهند گشت؟ چه سرانجامی برای امید ما می‌توان متصور بود؟ مسوولان حراست «برج میلاد» می‌گویند پوشش‌ها خوب بوده، برنامه هم که از پیش معلوم بوده و فهرست میهمان‌ها هم در اختیار همه قرار داشته، دیگر چه بهانه‌ای ممکن است یک جشن به صمیمیت جشن «چلچراغ» را تعطیل کند؟ چهره‌های افسرده‌ای که یکشنبه‌شب از برج میلاد رفتند، بغض‌های آدم‌ها در راه‌پله‌ها و مسیر اینها تصویرهای تلخی است از جشن سالانه «چلچراغ». چرا عده‌ای برای برگزاری یک جشن مجوزدار این‌همه مشکل دارند؟ شادی حق مردم است، لبخند حق مردم است، این سرزمین مال مردم است، برج میلادش، مجله‌اش، هنرمندش، همه‌وهمه مال این مردم است، اینها را از مردم و مردم را از اینها دریغ نکنیم!

رویداد

مهراوه در برج میلاد

● **شرق:** اولین اجرای گروه موسیقی «مهراوه» به سرپرستی شهرام رضایی در برج میلاد تهران برگزار می‌شود. این گروه ۲۸دی در سالن همایش‌های برج میلاد به اجرا خواهند پرداخت. اجرای کنسرت گروه مهراوه با حضور و آهنگسازی استاد مجید درخشانی و آواز مجتبی عسگری برگزار خواهد شد.

در هاویه

بوی گازوییل

سعید برآبادی

تلفن یک‌بار دیگر زنگ خورد و بعد سکوت اتاقک را گرفت. برگشت و نگاهی به تلفن سبز سکه‌ای کرد و نگاهی به ساعت آن بالا و رفت سراغ بازکردن پیچی که باز نمی‌شد: «اون آلن چهارده‌رو می‌دی؟» آلن یخ زده بود، وقتی دادم به دستش، دستش سردتر از سرمای آلن بود. آچار را جا انداخت و دوبار زور زد. روی دو پا نشسته بود، پمپ روی تشت سفید پلاستیکی معلق مانده بود و آچار که چرخید مایع سیاهی از وسطش ریخت روی کف اتاقک و صورتش پر از لبخند شد: «حله دیگه! حالا فقط باید واشرش عوض بشه، می‌شه عین روز اول. این پمپا آلمانی‌ان، به سن ما کار کردن و بازم کار می‌کنن، مرگ ندارن.»

دوباره که تلفن زنگ خورد، دست‌های سیاهش را با کهنه‌ای کثیف‌تر پاک کرد و روی پاهایش ایستاد. بلند شدم تا خط نگاهمان برابر باشد، برابر نشد، قدش کوتاه‌تر از من بود و پایی که کج بود، این کوتاهی را بیشتر نشان می‌داد. لنگان‌لنگان رفت سمت تلفن اما باز هم فقط یک زنگ بود و بس. پرسیدم که منتظر کسی است؟ و منظورم این بود که مزاحمش نباشم. شب از نیمه گذشته بود و باید در این سرمای منهای چند درجه، سه‌پمپ دیگر را هم تعمیر کند. توضیح داده بود که نمی‌تواند گاز را روشن کند چرا که مجبور بود موتور پمپ‌های تعمیری را اول با تینر بشوید. دوست و همکارش را همین بخار مسموم فرستاده بود روی هوا و دو بچه یتیم افتاده بودند روی دست زنش. با هر شره گازوییل روی دست‌هایش، سرما تا مغز استخوان من تیر می‌کشید اما خودش لبخند به لب داشت، عین برادران رایت که هی زمین می‌خوردند اما به‌جای اخ و تف، خنده‌شان می‌گرفت: «باز خداروشکر که اینجارو پیدا کردم. طبقه بالاش خالیه. اون طبقه بالایی‌اش هم یه پیرمرده که شبا یه جای دیگه کار می‌کنه، تو کل ساختمون نه شکایتی هست برای کار شب و نه نگران اینم که صدا، کسی‌رو ناراحت کنه.»

کارش زنده‌کردن پمپ‌های آب چاه عمیق بود، از همین‌ها که شیره اطراف تهران را مکیده‌اند برای یک وجب زراعت. با قیمت ارزان‌تری تعمیرشان می‌کرد و به قول معروف دست به آچارش آنقدر خوب بود که شماره‌اش را از شهریار تا ورامین داشته باشند. گفتم جواب نمی‌دهی؟ و اشاره‌ام به تلفن بود که هر ۱۰دقیقه یک‌بار زنگ می‌خورد. گفت غریبه نیست، حاج خانومه! گفتم همسرت؟ و دوباره سرش افتاد پایین. همسرش نبود، همسرش در خانه خواب بود با بچه لابد. دم‌دمای صبح بود که فهمیدم کسی که زنگ می‌زد، قرار بود در آینده نه‌چندان دور، زن دومش بشود و این کار شیفت شب هم به‌خاطر خرج همین ازدواج بود. نمی‌شد راحت سوال‌پیچش کرد، سرما سکته می‌داد به حرف‌ها و بعد بوی چندش گازوییل بود که مخلوط با تینر تا ته ریه را می‌سوزاند. گفتم «پس چرا تک‌زنگ می‌زنه؟» گفت: «می‌خواد ببینه حالم خوبه یا نه، نگرانه.» گفتم: «آخه هرچند دیقه یه‌بار؟!» و این سوال را با شیطنت پرسیدم. گفت پارسال شوهرش درست همین موقع و در حین کار با تینر کشته شد.

سکوت و سرما با بوی گازوییل قاطی شده بود، موقع خداحافظی راهرویی را نشانم داد که تاریک و باریک، اتاقکش را به زیر پل روشن‌دلان وصل می‌کرد. دست برد زیر فیوز و کلیدی را روشن کرد، چراغ‌های کوچکی بالای راهرو روشن شدند، چراغانی شد آن تاریکه‌جا! گفت: «واسه روز اومدن عروس‌خانومه!» بعد پای فلجش را آرام با دست بلند کرد و اولین قدم را به سمت تاریکی برداشت.

احسان گنجی

ehsanganji58@gmail.com

کارتون خواب

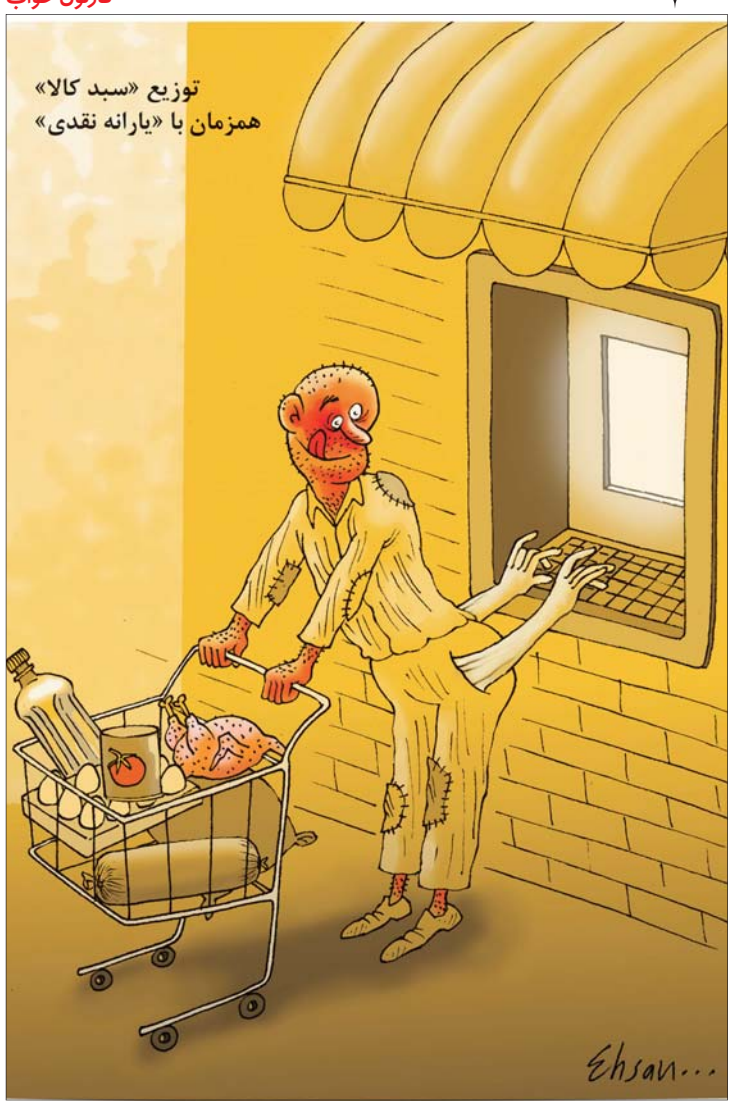

از هر نظر بی‌ضرر

پلنگ ایرانی مهاجر در «فیس‌بوک» نوشت:

پا شید بیاید بابا، افسردگی کدومه؟

پوریا عالمی

● راست و دروغش هنوز روشن نیست اما شنیده شد یک چهره مطرح محیط‌زیستی، در منطقه حفاظت‌شده و شکارممنوع، با شکار ممنوع دیده شده است. به نظر ما چیز عجیبی نیست. برای سرشماری مثلا پلنگ ایرانی راهی نیست که پلنگ ایرانی را با تیر بزنیم. چرا؟ چون حیوان زبان‌بسته که شعور ندارد توی صف بایستد تا آنها را بشماریم. وقتی هی جست‌وخیز می‌کنند، باید اول نگه‌شان داشت تا بشود شمردشان. بعد هم سخنگوی فراکسیون محیط‌زیست مجلس گفته: «پلنگ شناسنامه محیط‌زیست ایران است.» ولی‌شناسنامه محیط‌زیست ایران مدت‌هاست باطل شده. اینطور که ما فهمیدیم وقتی می‌گویند «منطقه حفاظت‌شده» یعنی منطقه‌ای که افراد خاص می‌روند شکار و مردم عادی نمی‌روند آنجا تا شکار به این بکری را حیف‌ومیل نکنند. بعد هم واقعا چه عیبی دارد؟

ما منشور حقوق بشری کوروش داشتیم، دادیم رفت. الان هم جاش توی موزه فرنگی‌ها امن است. به‌نظر ما پلنگ‌ملنگ و این قرتی‌بازی‌ها هم مثل منشور است، ردش کنیم برود خلاص. اگر هم منطقی نگاه کنیم الان اسم خیلی حیوانات توی شناسنامه محیط‌زیست ایران نیست و حیف‌ومیل شده‌اند. ما صفحه دوم شناسنامه را نگاه کردیم دیدیم فقط نوشته: نام بچه: «موش فاضلاب»، پلنگ کجا بود؟ در دولت مهرورزی شنیدیم: «دو آهوی ایرانی به ولیعهد قطر و دو قلاده پلنگ ایرانی به روسیه هدیه داده‌اند.» باور کنید کار درست همین بوده. باید بدهیم برود. بهتر از این است که ندهیم و گنده کنیم و به سگ دهیم. خوشبختانه الان می‌دانیم دو آهوی ایرانی و دو پلنگ ایرانی مهاجرت کرده‌اند و فوقش افسردگی مهاجرت گرفته‌اند، اما حال‌شان و جای‌شان خوب است. یکی از این پلنگ‌های مهاجر در فیس‌بوکش، خطاب به فک‌وفامیلش که در ایران هستند، نوشت: «پا شید بیایید بابا. افسردگی کدومه؟ خیلی هم باحاله.» اگر می‌ماندند چه می‌شد؟ هیچی. الان شکار شده بودند و لاشه‌شان همراه «چهره مطرح محیط‌زیستی» شناسایی شده بود.

با آرامش کامل سرجلسه‌ی کنکور رفتم و رتبه ۱۵ شدم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران دارنده مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted2009/رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی «کنکور آسان است»

یادی از گذشته

داشتم توی دانشگاه تهران قدم می‌زدم و به گذشته‌ها فکر می‌کردم زمانی که دانشجوی سال دوم لیسانس بودم و از اینکه معروف شده بودم، عذاب می‌کشیدم، اوایل فکر می‌کردم اگر معروف شوم چقدر غوغا می‌شود ولی بعد از اینکه کتاب و جزوه کنکور دینی‌ام منتشر و پخش شد و من در کل کشور معروف شدم آنجا بود که مشکلات شروع شد. در سال ۷۴ وقتی دانشجویان جدیدالورود به دانشگاه آمدند اکثراً مرا می‌شناختند و اینجا بود که همه چیز عوض شد و آن حس و حال دانشجویی پرید، دیگر همه مرا استاد صدا می‌کردند و باید خیلی مراقب رفتارم می‌بودم، چراکه من دیگر حسین احمدی دانشجوی روزانه دانشگاه تهران نبودم بلکه استاد حسین احمدی بودم که اکثر جدیدالورودی‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، مهندسی، طراحی صنعتی و حقوق و خیلی از رشته‌های دیگر کتاب مرا خوانده بودند، معارف اسلامی را صد زده بودند و حالا توقع داشتند من مثل یک استاد برخورد کنم و یکدفعه انگار که ۱۵ سال بزرگتر دیده می‌شدم.

به هر حال دوره‌ی کارشناسی به پایان رسید و من از دوران دانشجویی فقط شاگردانی یادم هست که همیشه سر کلاس های مختلف با من همکلاس بودند. استاد احمدی صدایم می‌کردند و امروز بسیاری از آنان همکاران من و معلمان معروف کنکور هستند.

دوباره دانشجو شدم

سال قبل که به‌عنوان رتبه ۱ کارشناسی ارشد دانشگاه تهران مجدداً دانشجو شدم تصمیم گرفتم این بار گمنام باشم تا از دوره دانشجویی‌ام مانند یک دانشجو لذت ببرم. غروب روز یکشنبه جلوی ساختمان دانشکده هنر با بچه‌ها جمع شدیم تا مثل همیشه فوتبال بازی کنیم، سالهاست که آنجا دانشجویان جمع می‌شوند و فوتبال بازی می‌کنند ما هم بیست روزی می‌شود که داریم منظم فوتبال بازی می‌کنیم، خیلی خوشحالم و ورزش به من انرژی مضاعف برای کار کردن و درس دادن جلوی دوربین می‌دهد. گرم بازی درون دروازه ایستاده‌ام که یک‌دفعه یک نفر ناغافل مرا بغل می‌کند هاج و واج نگاهش می‌کنم، اوه خدای من، او شاگردم سامان طاهری است.

رتبه ۱۵ کنکور

من سامان طاهری هستم و اصلیتی لر دارم و در یک خانواده‌ی ۱۱ نفره به‌دنیا آمده‌ام که بهترین رتبه‌ی کنکور این خانواده را نیز بدست آورده‌ام.

سال دوم دبیرستان زمانی که هیچ‌کس صحبتی از کنکور نمی‌کرد و من به‌خاطر معدل ضعیفم در سال اول دبیرستان انگیزه‌ای برای درس خواندن نداشتم به همایش استاد حسین احمدی رفتم. (معدل سال اول ۱۶/۶۱)

چطور شد که من به همایش استاد رفتم؟ واقعیت این است که انضباط من در دبیرستان ۱۲ بود و من با دوستانم طبق معمول هر روز عصر به گشت و گذار در شهر و شیطنت مشغول بودیم که به‌صورت اتفاقی از جلوی سالن هلال احمر رد می‌شدیم و دیدم که آنجا خیلی شلوغ است. به قصد شیطنت و شلوغ کاری وارد سالن شدیم و در آنجا مردی را دیدم که راه زندگی مرا متحول کرد او کسی نبود به جز استاد حسین احمدی. در همایش، استاد احمدی، از سیستم‌های یادگیری ذهنی که مبدع آن خود ایشان بودند (آلفای ذهنی) حرف می‌زدند و در همان ابتدای امر من جذب سخنان ایشان شدم — سپس از افراد موفق در کنکور سال قبل قدردانی کردند و من با خود گفتم چه می‌شد اگر من نیز روزی جزو آن افراد موفق باشم. در پایان همایش به‌سختی توانستم از میان جمعیت استاد را ببینم نزد ایشان رفتم، استاد به گرمی از من استقبال کرد و با گفتن شرایطم به استاد و اینکه انگیزه‌ای برای درس خواندن ندارم او به من شماره تلفن خود را داد و من هر روز به استاد زنگ می‌زدم، ایشان ابتدا به من CDهای عربی خود را معرفی نمودند، از همان سال دوم مطابق با برنامه‌های استاد، عربی را کار کردم و در آخر توانستم عربی را بالاترین درصد کنکور سراسری بزنم. در سال سوم CDهای ادبیات مؤسسه را گرفتم و در پیش دانشگاهی نیز از تمام دروس اختصاصی مؤسسه استفاده کردم که در یادگیری و تثبیت مطالب در ذهن من و نیز در روزهای آخر در جمع‌بندی بسیار به من کمک کرد، در روز قبل از کنکور باز با استاد حرف زدم و ایشان به من آرامش بسیاری دادند، با آرامش کامل سر جلسه‌ی کنکور رفتم و توانستم رتبه‌ی ۱۵ کنکور سراسری و رتبه ۱۴ زیرگروه ۱ رشته‌ی ریاضی را کسب کنم. و در انتخاب اول خود مهندسی مکانیک دانشگاه تهران قبول شوم. اکنون که این مقاله را می‌نویسم باز نیز خود را شاگرد استاد و مدیون ایشان می‌دانم و برای همه‌ی کنکوری‌های عزیز آرزوی موفقیت می‌کنم، در مقاله بعدی تعریف می‌کنم که چگونه پسر خاله‌ی خودم را نیز دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران کردم.

خب این هم مقاله‌ای از شاگرد عزیزم سامان بود امیدوارم که انرژی مثبت دریافت کرده باشید. البته چند روزی است که سامان هم به تیم ما ملحق شده است و با هم هر روز غروب در زمین مقابل دانشکده‌ی هنر دانشگاه تهران با دیگر تیمها مسابقه می‌دهیم راستی یادم رفت بگویم سامان مدافع خوبی است و از روزی که او به‌عنوان مدافع جلوی دروازه‌ی من می‌ایستد من گلهای کمتری دریافت می‌کنم و همه‌ی بازیها را برده‌ایم.

برای هرگونه سوال و مشاوره و برنامه ریزی با استاد احمدی با شماره ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶-۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تلفن ۶۶۴۹۸۷۲۴-۰۲۱ تماس بگیرید.

سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۵۷۰۲

داوطلبان کنکور

روزگاری فقط قشر خاصی می‌توانستند از معلمان برتر استفاده نمایند، اما امروز...

دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان

دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شابک بین‌المللی

VCD و DVDهای درسی (تقویتی، تکنیکی)

بانظارت استاد حسین احمدی

به همراه کتاب‌ها و جزوات کمک آموزشی اساتید برتر

- با بهترین کیفیت و نازلترین قیمت
- فیلمبرداری ۲ دوربینه و ۳ دوربینه FullHD و قابل اجرا در دستگاه‌های پخش خانگی
- آموزش خط به خط، مفهومی و تکنیکی کتاب درسی و نکات ناگفته فوق حرفه‌ای ویژه‌ی معدل‌سازی و تست‌زنی کنکور vvip
- ارائه روش‌های حل مسئله و تکنیک‌های پاسخ‌گویی سریع و آسان به سؤالات تشریحی و تستی بر اساس تجربیات رتبه‌های تک‌رقمی و برتر کنکور

نویسنده‌ی جزوات کنکور، مشاور و برنامه‌ریز تحصیلی از سال ۱۳۷۳ تا به امروز
فارغ‌التحصیل رتبه برتر مهندسی از دانشگاه سراسری تهران
برنامه‌ریز رتبه‌های ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۳۵، ۶۱ و...
در کنکورهای ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲
اولین و تنها مشاور برنامه‌ریز کنکوری از ایران، دارنده مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان inted2009
والنسیا، اسپانیا، رم ایتالیا، بانکوک تایلند، مادرید اسپانیا و...
تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزشی و پرورش سراسر ایران
رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه تهران

اسامی بعضی از اساتید که درسی دی‌ها تدریس کرده‌اند:

دکتر عباس احمدی فارغ‌التحصیل روزانه سراسری دانشگاه تهران رتبه یک کنکور و دکترای مهندسی و استاد دانشگاه، مشاور و ناظر کیفی دی‌وی‌دی کتاب‌های آموزشی استاد حسین احمدی
دکتر فرخ دادگستری فارغ‌التحصیل پزشکی عمومی سراسری، متخصص بیهوشی، مدرس رتبه‌های ۱، ۴، ۱۱، ۳۳، ۳۷ و غیره با بیش از ۲۲ سال سابقه‌ی تدریس، مؤلف کتاب‌های زیست ۹ بعدی
سعید زلوحی‌جوکار دانشجوی کارشناسی ارشد سراسری فقه و حقوق، رتبه برتر کنکور سراسری، تنها کسی که دو سال پی در پی عربی کنکور سراسری ۸۹ و ۹۰ را صد درصد زده است
دکتر محمدعلی شفائی (آیان) دکترای ادبیات، استاد دانشگاه‌های تهران و حومه، دکتر محمود اکبری رتبه ۱ کنکور دکترای تخصصی استاد ریاضیات کنکور و دانشگاه
دکتر کامران زارعیان استاد دانشگاه در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و روش تحقیق، مؤلف کتاب پرفروش موفقیت در برنامه‌ریزی تحصیلات تکمیلی. دکتر محمدعلی رجایی رتبه‌ی ۱ دکتری استاد دانشگاه، مشاور و برنامه‌ریز درسی.
مهندس امیر مسعودی اولین و تنها دارنده مجوز فیلم مستند آموزشی در زمینه‌ی فیزیک و ریاضیات نویسنده کتابهای ۲۰ گانه‌ی خلاقیت در ریاضیات و فیزیک به روش تکنیکی و رمزگردانی، مدرس رتبه‌های برتر
استاد شهراد بحجوبی کارشناس ارشد زبان انگلیسی، مؤلف بیش از ۴۵ جلد کتاب کنکور و دانشگاهی با بیش از ۳۰ سال سابقه‌ی تدریس در آموزش و پرورش. دکتر امیر دانش‌زاده مدرس برتر زبان انگلیسی
استاد حسین احمدی مؤلف کتابها و جزوات کنکور از سال ۷۳ تا به امروز با مدیریت تألیف و نویسندگی بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب و مقاله‌ی آموزشی، بنیانگذار DVD، CDهای تکنیکی، فوق حرفه‌ای، مافوق حرفه‌ای، VVIP و ۹ بعدی تدریس دروس پایه تا کنکور، با تولید بیش از ۲۰۰۰ حلقه CD و DVD صوتی و تصویری، برگزاری صدها همایش تحصیلی از سال ۷۹ تا به امروز در سراسر کشور و بنیانگذار برنامه رادیو-تلویزیونی «کنکور آسان است»

تلفن تهران: ۶۶۴۹۸۷۲۴-۰۲۱_همراه: ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶-۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ در هیچ نقطه کشور نمایندگی وجود ندارد خرید حضوری یا با ارسال پستی در تهران و شهرستان‌ها

چگونه از فوق دیپلم، دانشجوی دکترای دندانپزشکی سراسری شد؟

● تصمیم برای قبولی در دندانپزشکی

ترم آخر دانشگاه بود و کم‌کم می‌خواستم برای کنکور سال بعد آماده شوم. بله تعجب نکنید. بنده یک‌بار کنکور داده و رتبه‌ی ایده‌آلی کسب نکرده بودم و به دلیل انتخاب رشته‌ی غلط، در یک رشته‌ی کاردانی قبول شده بودم. اما به دلیل اینکه دو سال از کنکور محروم می‌شدم، در این رشته مشغول به تحصیل شدم.

از راهی که در پیش گرفته بودم، مطمئن نبودم. از یک طرف دوستانم به من امید می‌دادند و از طرف دیگر مأیوسم می‌کردند. بعضی از دوستانم می‌گفتند: «ما تلاش‌مون رو کردیم و تو این رشته قبول شدیم، پس نمی‌تونیم تو کنکور بعدی موفق باشیم. اونم با شرایطی که چند سال از کنکور دور بودیم و کتاب‌ها کلی تغییر کرده و کنکور سخت‌تر و مفهومی‌تر شده.»

اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و می‌خواستم حتماً در کنکور سال آینده شرکت کنم و دندانپزشکی سراسری قبول شوم پس با اراده‌ی تمام، قدم در این راه گذاشتم. من در تهران بودم که یک روز به صورت تصادفی، بروشوری را دریافت کردم. این بروشور که راجع به کنکور بود، توجه مرا به خود جلب کرد.

«چگونه رتبه‌ی برتر کنکور شویم؟» ۱- تسلط بر روش‌های علمی مطالعه و مرورهای علمی ۲- تسلط بر روش‌های خلاصه‌نویسی ۳- تسلط بر تندخوانی و افزایش سرعت مطالعه تا ۶ برابر ۴- چگونه حافظه‌ی خود را تقویت کنیم؟ و...

و در نهایت نام استاد احمدی و رتبه‌های برتری بود که با برنامه‌ریزی استاد، در رتبه‌های تک‌رقمی و دورقمی کنکور شده بودند.

با خود گفتم: کاش می‌شد من هم شاگرد چنین استادی می‌شدم. تصمیم گرفتم با استاد ملاقاتی داشته باشم و این شانس بزرگ من بود.

با ایشان ملاقات کردم و طی مشاوره‌یی که انجام دادم، اعتماد به نفس فوق‌العاده‌یی یافتم و به امید خدا خودم را در این آزمون، پذیرفته دیدم.

● «باسند و مدرک به استاد ایمان آوردم

استاد ابتدا با سند و مدرک به من نشان دادند چگونه شاگردانی با پایه‌های خیلی ضعیف، رتبه‌های برتری کسب کرده بودند و چگونه درس خواندن را برای‌شان آسان و جذاب کرده بود.

واقعاً برایم تعجب‌آور بود. کارنامه‌ی قبل از برنامه‌ریزی با استاد، اصلاً قابل مقایسه با بعد از برنامه‌ریزی با استاد نبود. استاد واقعاً معجزه می‌کرد و همین موضوع مرا بیشتر جذب برنامه‌ریزی‌ها و روش‌های آموزشی ایشان کرد.

● آخرین جمله‌ی همیشگی ایشان این بود: «کنکور آسان است.»

در مشاوره‌یی که با ایشان داشتم، استاد روش درس خواندن را به من یاد دادند و اینکه در کنکور چه درس‌هایی و چه اندازه مطالعه کنم و چگونه درسی را که دوست ندارم، بخوانم و لذت ببرم و همچنین تکنیک‌های خلاصه‌نویسی، رمزگردانی و تست‌زنی و... را به من یاد دادند. البته من باید به شهرستان برمی‌گشتم و نمی‌توانستم در تهران بمانم و از کلاس‌های استاد استفاده کنم. اما استاد این مشکل مرا نیز حل کردند و جزوه‌ها و سی‌دی‌های‌شان را در اختیار من گذاشتند و گفتند که اینها مشکل تو را حل خواهند کرد، اما من از اینکه نمی‌توانستم مستقیماً از حضور استاد استفاده کنم، خیلی ناراحت شدم. راستش را بخواهید به تهرانی‌ها حسودیم شد و گفتم خوش به حال‌شان که چنین استادی دارند. البته استاد همیشه به فکر شاگردانش است و در شهرستان‌های مختلف همایش برگزار می‌کنند و این شانس بزرگی برای شهرستانی‌هاست که از حضور استاد استفاده می‌کنند.

با خودم گفتم مگر این جزوه‌ها با بقیه چه فرقی می‌کند که استاد اینگونه در موردشان صحبت می‌کند؟ بالاخره راهی شهرستان شدم و با انرژی مثبتی که از استاد گرفته بودم استارت کنکور را زدم. هر چه پیش می‌رفتم به استاد بیشتر ایمان می‌آوردم. البته ناگفته نماند که استاد خودشان در دانشگاه سراسری تهران درس خوانده بودند. برادرشان نیز رتبه‌ی یک شده بودند.

کم‌کم کنکورهای آزمایشی می‌دادم و رتبه‌های خوبی کسب می‌کردم و اطمینان پیدا می‌کردم که به امید خدا موفق خواهم شد. اکنون شما داوطلب عزیزی که این مقاله را می‌خوانید. آدم خوش‌شانسی هستید. چراکه اگر من هم زودتر با استاد آشنا می‌شدم، موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کردم و زودتر به هدف می‌رسیدم. در اوایل، درس خواندن کمی برایم مشکل بود. ولی همانطور که گفتم روشی را که در پیش گرفته بودم (روش استاد احمدی) شوق درس خواندن را در من ایجاد می‌کرد. در ابتدا با ساعت مطالعه‌ی کم شروع کردم و به تدریج به ساعات مطالعه‌ام افزودم. هر چه پیش می‌رفتم رضایت بیشتری نسبت به خودم پیدا می‌کردم و از خداوند به خاطر اینکه چنین لطف بزرگی در حقم کرده و من را با استاد آشنا کرده بود، سپاسگزار بودم. بالاخره به روزهای کنکور نزدیک می‌شدم و من با توکل به خدا خودم را آماده احساس می‌کردم. در روز کنکور، با آرامش در جلسه حاضر شدم. تا اینکه نتایج اولیه‌ی کنکور سراسری را اعلام کردند و من برای انتخاب رشته دوباره از استاد کمک گرفتم و با انتخاب رشته‌ی حرفه‌یی ایشان، من در رشته‌ی دندانپزشکی دانشگاه سراسری قبول شدم.

● «تکنیک‌های PQRSTC و SMOS

اینها تکنیک‌هایی هستند که برای اولین بار از استاد شنیدم و یاد گرفتم که چگونه یک درس را یک‌بار بخوانم و با همان یک‌بار، درس را به طور کامل یاد بگیرم. استاد این روش را در سی‌دی‌های صوتی و کتاب «دین و زندگی» و «عربی» به طور کامل اجرا می‌کنند. در این جزوه‌ها و سی‌دی‌های درسی، تمامی تکنیک‌های تصویرسازی و خلاصه‌نویسی و روش‌های علمی مطالعه و حل سؤالات کنکورهای مختلف وجود دارند.

البته ناگفته نماند، استاد احمدی اولین پاسخگوی دین و زندگی در ایران هستند. در مورد درس عربی من در تست زدن و خواندن این درس، خیلی مشکل داشتم، اما با سی‌دی عربی صددرصد و عربی برتر، که با صدای خود استاد بود. مشکل من به طور کامل حل شد و عربی به یکی از درس‌های مورد علاقه‌ی من تبدیل شد. بطوری که در آزمون‌ها، اوایل صفر درصد می‌زدم و بعدها با کمک این سی‌دی به ۱۰۰ درصد رسیدم. در مشاوره‌های استاد احمدی زیاد شنیده بودم که درس عربی انحراف معیار منفی دارد و درصد بالایش، داوطلب را خیلی جلو می‌اندازد.

● آقای افتخاری نیاموفق شد

و اما توصیه‌ی آخر: شرط موفقیت در هر امری، ایمان داشتن به آن است. پس به کاری که می‌کنید، ایمان داشته باشید. همانطور که من به روش‌های استاد ایمان آوردم و به امید خدا موفق شدم.

اگر می‌توانستم با چند سال فاصله از کنکور، در حالی که همه‌ی مطالب را فراموش و در واقع از صفر شروع کرده بودم، با کمک برنامه‌ریزی‌ها و جزوات استاد احمدی در کنکور موفق شوم. پس مطمئن باشید شما هم می‌توانید، با این تفاوت که از صفر شروع نمی‌کنید و چند قدم شاید صدها قدم از من جلوتر هستید. پس به توانایی‌تان ایمان داشته باشید و در راه صحیح گام بردارید.

در پایان تبریک ویژه‌یی برای یکی از دانشجویان کاردانی پروتزیه نام آقای افتخاری نیا دارم. ایشان همکلاسی بنده بود. وقتی فهمید من دندانپزشکی قبول شده‌ام با بنده مشاوره‌ای تلفنی انجام داد و سپس جزوات و سی‌دی‌های استاد احمدی را تهیه کرد و در جلسات تهران چند روزی در کلاس‌های استاد احمدی شرکت کرد و به لطف خداوند دکترای دندانپزشکی سراسری شهر خودش پذیرفته شد. ایشان زحمت کشیدند و نامه‌یی تشکرآمیز فرستادند و از ما تقدیر کردند. در پایان برای هرگونه مشاوره تلفنی و یا ارتباط با رتبه‌های برتر با شماره ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس بگیرید. پیام کوتاه: ۱۰۰۰۵۷۰۲

میترا رحیمی (دانشجوی دندانپزشکی سراسری)